



تعهدنامه اصالت پایان نامه

اینجانب جابر حسن نژاد فرزند حسنعلی دانشجوی رشته حقوق خصوصی مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علامه محدث نوری(ره) بدینوسیله اصالت کلیه مطالب و مندرجات موجود در مباحث مطروحه در این پایان نامه را با عنوان «بررسی وضعیت مالکیت بر معادن در حقوق ایران» تایید و تصدیق کرده اعلام می‌نمایم که تمامی محتوای این پایان نامه حاصل مطالعه، تحقیق و تفکر خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان‌نامه و یا هیچ اثر یا منبع اعم از داخلی، خارجی و بین‌المللی نبوده و قانون مالکیت معنوی را رعایت نموده و از اقتباس مطالب دیگران بدون ذکر مأخذ خودداری کرده‌ام. و تعهد می‌نمایم در صورت استفاده از مطالب این پایان‌نامه در کتب، مجلات یا همایش‌ها اعم از داخلی و خارجی عنوان کامل و نشانی دانشگاه را قید نمایم. نیز ملتزم و متعهدم در صورت اثبات عدم اصالت این پایان‌نامه و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهدنامه در هر زمان و مرحله از مراحل که منتهی به فارغ‌التحصیلی شده و یا پس از آن و یا تحصیل در رشته یا در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... ، دانشگاه حق دارد ضمن اعلام رد پایان‌نامه، نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوط اقدام نماید. مضافاً به اینکه کلیه مسوولیت‌ها، پیگردها و پیامدهای قانونی و نیز خسارات مادی و معنوی وارده از هر حیث متوجه اینجانب می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علامه محدث نوری

(غیر نوبتی - غیر انتظامی)

دانشکده علوم اقتصاد و اداری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

موضوع:

بررسی وضعیت مالکیت معادن در حقوق ایران

داور: دکتر جمشید یحیی پور

استاد راهنما:

دکتر ایمان پورعلی

استاد مشاور:

دکتر علی محمدزاده

دانشجو:

جابر حسن نژاد میانرودی

شهریور 1396

سپاسگزاری

بعد از حمد و سپاس بی‌کران به درگاه خداوند منان، صمیمانه‌ترین سپاس خود را به حضور استادان محترم تقدیم می‌دارم که از آغاز تا پایان این پژوهش مرا همراهی فرموده و با نکته‌سنجی و باریک‌بینی‌های خود، کار را بر من آسان نمودند و اگر کمک‌های بی‌شائبه آنان توشه راهم نمی‌گردید، هدف را به‌خوبی نمی‌یافتیم.

استاد ارجمند، جناب آقای دکتر ایمان پورعلی که منت نهاده و باوجود مشغله فراوان لطف نموده و زحمت راهنمایی این پایان‌نامه را تقبل فرمودند و با نظرهای عالمانه‌شان دشواری این مسیر را هموار نمودند.

استاد گران‌مایه، جناب آقای دکتر علی محمدزاده که زحمت مشاوره پایان‌نامه را پذیرا شدند و بارانمایی‌های سودمندشان راهگشا و ثمربخش بودند.

در پایان نیز سپاسگزار استادان دیگری هستم که در دوره تحصیل افتخار شاگردی‌شان را داشتم.

تقدیم به

اولین آموزگاران زندگی ام، پدر و مادر عزیزم

و

تقدیم به

همه آنها که از آنها آموخته و خواهم آموخت

چکیده

معادن از گذشته تاکنون یکی از نعمت‌هایی است که چگونگی مالکیت و بهره‌برداری از آنها هم از منظر فقه و هم از منظر حقوق موضوعه مورد بحث می‌باشد. معادن در یک تقسیم‌بندی کلی به معادن ظاهری و باطنی تقسیم می‌گردند. نظریات فقها در خصوص مالکیت و بهره‌برداری از این معادن ظاهری و باطنی در چهار دسته خلاصه می‌شود. لکن قانون اساسی طبق اصل 45 معادن را جزء انفال دانسته و بدین طریق مالکیت و بهره‌برداری از آنها را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده است. به نظر می‌رسد در بحث مالکیت و بهره‌برداری از معادن باید هم بین معادن ظاهری و باطنی تفکیک قائل شد و هم منافع جامعه را در نظر گرفت. بدین صورت که مالکیت معادن را در اختیار حکومت اسلامی گذاشته، لکن اجازه بهره‌برداری از معادن را در اختیار بخش خصوصی (به خصوص معادن کوچک) قرار دهیم. با این تفصیل باتوجه به اینکه قوانین ما در بحث مالکیت و بهره‌برداری از معادن دارای خلاهایی می‌باشد لازم است قانونگذار در راستای تحقق اصل خصوصی سازی، قوانین را باتوجه به مقتضیات روز تغییر دهد.

کلید واژه:

مالکیت، معادن، انفال، بهره‌برداری از معادن.

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

چکیده.....خ

الف- بیان مسأله..... 1

ب- سؤال‌های تحقیق..... 3

ج- فرضیه‌های تحقیق..... 3

د- اهمیت و ضرورت تحقیق..... 3

و- سابقه تحقیق..... 3

ه- نوآوری تحقیق..... 4

ز- روش تحقیق..... 4

ح- ساختار تحقیق..... 4

فصل اول: کلیات..... 5

مبحث اول: مفاهیم..... 6

گفتار اول: مفهوم مال..... 6

گفتار دوم: مفهوم مالکیت..... 8

گفتار سوم: مفهوم معدن..... 10

بند اول: مفهوم معدن در لغت..... 10

بند دوم: مفهوم معدن در فقه..... 12

بند سوم: مفهوم معدن در علم معدن شناسی..... 14

مبحث دوم: انواع معادن در فقه و حقوق..... 14

گفتار اول: معادن ظاهری..... 15

گفتار دوم: معادن باطنی (پنهان)..... 17

گفتار سوم: معادن مهم و استراتژیک..... 20

بند چهارم: تعیین مصدایق معدن در فقه..... 21

مبحث سوم: انفال و معادن..... 23

گفتار اول: تعریف انفال..... 23

بند اول: انفال در لغت..... 23

بند دوم: انفال در اصطلاح فقهی..... 24

25	بند سوم: مباحث عمومی.....
25	بند چهارم: تفاوت انفال با مباحث اصلی و مشترکات.....
26	گفتار دوم: شمول انفال بر معادن.....
29	بند اول: مبنای قول مشهور (عدم شمول انفال بر معادن):.....
30	بند دوم: مبنای قول غیرمشهور (شمول انفال بر معادن).....
33	فصل دوم: مبانی و امکان سنجی حاکم بر مالکیت معادن.....
62	گفتار اول: استقلال یا تبعیت معدن از زمین.....
63	بند اول: تبعیت.....
63	بند دوم: عدم تبعیت.....
64	بند سوم: نظریه مختلط.....
64	گفتار دوم: سرمایه یا درآمد بودن معدن.....
68	گفتار سوم: چگونگی سرپرستی معادن در بحث مالکیت.....
69	مبحث سوم: بهره‌برداری از معادن.....
71	گفتار اول: از منظر قانون اساسی.....
73	گفتار دوم: از منظر قوانین عادی.....
75	نتیجه گیری:.....
78	ضمیمه.....
86	فهرست منابع.....
86	1- فارسی.....
86	الف- کتب.....
87	ب- پایان نامه.....
87	ج- مقالات.....
88	2- عربی.....

الف- بیان مسأله

در نظام اقتصادی، بحث مالکیت از مهم‌ترین مباحث به شمار می‌رود؛ با بررسی مکاتب مختلف اقتصادی می‌توان دریافت که منشأ بسیاری از مکاتب، نوع دیدگاه آنان نسبت به مالکیت است.

مالکیت عمومی یک از مباحثی است که کاربرد آن در علم حقوق و اقتصاد و حتی در حوزه سیاست و اداره کشور قابل انکار نیست و علی‌رغم این اهمیت و اختلاف بسیاری که از لحاظ نظری و عملی در اطراف آن وجود دارد کمتر به بحث و بررسی گذاشته شده است.

از مباحث مهمی که از گذشته وجود داشته و علما در خصوص آن اختلاف نظرهایی داشته‌اند در خصوص مصادیق اموال عمومی و مالکیت آن در اسلام است که تقسیم بندی‌های مختلفی در مورد آن انجام گرفته است. از مصادیق مهم مالکیت عمومی اموالی است که در شرع با تعبیر "لله" و "للسول" و "للامام" یعنی متعلق به سلسله ولایت معرفی شده است، انفال و فیه می‌باشد.

انفال در اصطلاح حقوقی و در فقه همان معنای قرآنی آن را دارد و در تعریف آن باید گفت که انفال ملک طلق امام است اما در بحث مصادیق انفال در کتب فقها و در روایات اختلافات جزئی به چشم می‌آید.

از مصادیق انفال که در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد بحث معادن است که نظرات گوناگون با استدلال‌ها و مستندات مختلف از طرف بزرگان فقه در خصوص آن ارائه شده و هرکدام دلایل منطقی‌ای برای عقیده خود دارند. اختلاف نظر در خصوص بحث مالکیت معادن همچنان ادامه داشته و حتی در حقوق امروز نیز مطرح می‌باشد. تا قبل از انقلاب اسلامی رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با مالکیت معادن نسبت حال حاضر حاکم بوده که بعد از انقلاب در اصل 44 و 45 قانون اساسی به پیروی از یکی از چهار دیدگاهی که در فقه در این زمینه بیان شده معادن جزء اموال عمومی محسوب گردیده و در مالکیت

دولت قرار داده شده است. با گذشت چندین سال از انقلاب اسلامی ضعف‌ها و مشکلات کثیری که ناشی از مالکیت و یا حتی در اختیار دولت بودن معادن آشکار شده و نیاز به تغییر در این دیدگاه و یا لزوم پیدا کردن راه‌حلی جهت حل این مشکلات بیش از پیش احساس می‌شود.

در خصوص مالکیت معادن پس از انقلاب به دفعات قوانینی وضع و سعی شده مشکلات استفاده و بهره‌برداری درست و کامل از معادن را برطرف نماید. قانون معادن سال 1362 و سال 1377 و اصلاح قانون معادن سال 1390 که طی آن زمینه‌های استفاده و بهره‌برداری از معادن توسط بخش خصوصی (مانند ماده 10 قانون معادن سال 1377) را تا حدودی هموار کرده اما همچنان مشاهده می‌شود که با وجود اینکه ایران با مساحتی حدود 32 دهم درصد از کل مساحت کره زمین، دارای میلیاردها تن ذخایر معدنی است، هنوز به اندازه بسیار اندک از معادن بهره‌برداری می‌شود و همین امر می‌تواند از قرائن ناکارآمد شمردن قوانین موجود باشد.

حال سعی بر آن شده ابتدا با کنکاش در مبانی فقهی مالکیت معادن و نظرات فقها در این رابطه و مطالعه قوانین وضع شده در این خصوص به فهم جامع و کاملی از این مباحث و قوانین نزدیک شویم و محاسن و معایب آن برای ما روشن و هویدا گردد، سپس با بررسی دقیق بحث مالکیت عمومی و مالکیت معادن و انفال و مصادیق آن می‌خواهیم بدانیم که دلیل و چرایی محدودیت واگذاری معادن به بخش خصوصی که منجر به ضررهای بسیار زیاد برای کشور شده چه چیزی بوده است و آیا راه حلی برای این مساله می‌توان پیدا کرد، همچنین چگونه می‌توان با توجه به مبانی فقهی و نگاه به محدودیت‌ها و شرایط مربوطه و جلوگیری از انحصار غیر ضروری دولت بازنگری و اصلاحاتی در قوانین موجود انجام داد. البته باید مراقب بود که با اصلاح و بازنگری قوانین، موجبات مالکیت مطلق اشخاص خصوصی بر معادن که باعث اختلاف طبقاتی و تضییع حق عمومی و بهره‌برداری بی‌رویه از معادن می‌شود را فراهم نکنیم.

ب- سؤال‌های تحقیق

- 1- با فرض مباح دانستن معادن آیا معادن قابل تملک خصوصی هستند؟
- 2- آیا سپردن تمامی معادن به بخش خصوصی و جاهت قانونی، شرعی و عقلی دارد؟

ج- فرضیه‌های تحقیق

- 1- فقط معادن بزرگ در اختیار حکومت اسلامی است.
- 2- معادن ظاهری با فرض اباحه، قابل تملک توسط بخش خصوصی است.

د- اهمیت و ضرورت تحقیق

باتوجه به توضیحات داده شده، اهداف پژوهش به شرح زیر بیان می شود:

- 1- بررسی محدوددهی دقیق مالکیت معادن (برای دولت و بخش خصوصی) در فقه و قوانین موضوعه
- 2- بررسی اعمال حاکمیت و مالکیت دولت در بخش معادن
- 3- شناخت معادن قابل واگذاری و یا قابل تملک توسط بخش خصوصی
- 4- بررسی عوامل محدود کننده بهره‌برداری گسترده از معادن توسط بخش خصوصی

و- سابقه تحقیق

معادن ثروت‌های هنگفتی هستند که با توجه به موقعیت جغرافیایی در همه کشورها کم و بیش وجود دارد اما در برخی از کشورها مثل ایران که سرشار از معادن مختلف می‌باشد اهمیت این موضوع چندین برابر است اما متأسفانه کتاب‌ها و مطالب نوشته شده در این زمینه با توجه به اهمیت موضوع بسیار اندک

می‌باشد و نویسندگان در کتب خود ضمن بحث مالکیت اموال اشاره کوچکی به بحث مالکیت معادن داشته‌اند که این امر قابل تأمل و قابل انتقاد است.

ه- نوآوری تحقیق

از آن جایی که این پژوهش به روش تطبیقی به بررسی بهره برداری از معادن در فقه و حقوق می‌پردازد در نوع پایان نامه جدید است.

ز- روش تحقیق

نوشتار کنونی با استفاده از روش کتابخانه‌ای متکی بر مطالعه و تجزیه و تحلیل اطلاعات حقوقی موجود در کتاب‌های نویسندگان حقوقی و قوانین مدون و همچنین مطالعه منابع فقهی می‌باشد. نگارنده بنا دارد با تجزیه و تحلیل و توصیف، ضمن یافتن بایسته‌های تحقیق و پاسخگویی به نکات مطروحه کار تحقیق را به اتمام برساند.

ح- ساختار تحقیق

این پژوهش در دو فصل مورد نگارش قرار گرفته است:

در فصل اول پژوهش با عنوان کلیات به بررسی کلیات و مفاهیم و انواع معادن اشاره شده است. در

فصل دوم پژوهش نیز به بررسی مبانی و امکان سنجی حاکم بر مالکیت معادن و بحث چگونگی مالکیت

خصوصی و عمومی بر معادن و همچنین بحث بهره برداری از معادن اشاره خواهد شد.

فصل اول:

کلیات

مبحث اول: مفاهیم

شروع هر تحقیق با بیان مفاهیم شروع می‌گردد ما نیز در این پژوهش ابتدا به بررسی مفاهیم موضوع خواهیم پرداخت.

گفتار اول: مفهوم مال

در کتب لغت مال از ریشه مول در عربی آن را از فعل ماضی (مال - یمیل - میلا) شمرده‌اند چنین معنا کرده‌اند که هر چیزی که موضوع میل و رغبت انسان باشد. به ثروت یا دارائی، هر آنچه که به تملک و تصرف انسان درآید، و به تمام اشیاء که دارای ارزش اقتصادی است و دارای منفعت بوده و متعلق غرض عقلا قرار گیرد نیز گفته شده است. (دهخدا، 19:1373)

در اصطلاح فقهی، کلمه مال مفهومی جدای از معنای لغوی ندارد بلکه برگرفته از معنای لغوی می‌باشد به همین اساس مال را چنین تعریف کرده‌اند به اشیایی گفته می‌شود که موضوع داد و ستد حقوقی بین اشخاص و یا به اشخاص امکان انتفاع از اشیاء مادی را می‌دهد. و به عبارت دیگر آنچه مورد تملک قرار می‌گیرد و به اشخاص اختصاص می‌یابد و از نظر حقوقی در آن تصرف می‌شود، رابطه اعتباری است که انسان با اشیاء دارد و به آنها مال گفته می‌شود و لازم به ذکر است که معیار تمیز ارزش نوعی در اختیار عرف است این ارزش، نتیجه‌ی رغبتی است که انسان برای بدست آوردن چیزی در خود احساس می‌کند. (جزیری، 56:1939)

گاهی ممکن است مالی فقط در رابطه‌ی دو طرف قرارداد، ارزش داشته باشد و دیگران برای آن بهائی قائل نشوند که البته این مسئله از ارزش اقتصادی مال نمی‌کاهد. در گذشته واژه «مال» ویژه کالای مادی بود ولی پیشرفت‌های زندگی کنونی بتدریج آن را از این معنی محدود و ابتدائی خارج ساخته است، چندان که

امروز به تمام عناصر گوناگون دارائی (مانند زمین و اموال منقول و مطالبات و حقوق مال و حتی حق تألیف و اختراع و سرقتی) نیز مال گفته می‌شود. قانون مدنی در باب اول به تقسیم اموال پرداخته است ولی در تعریف آن سخنی نمی‌گوید با وجود این از ملاحظه مصداق‌های این واژه (مواد ۸۷۲ و ۹۴۶ و ۱۲۱۴ و ۱۲۱۷) به خوبی برمی‌آید که نویسندگان قانون هم آن را به معنی گسترده خود در نظر داشته‌اند. در این معنی واژه مال به تمام اشیاء و حقوقی که دارای ارزش اقتصادی است، گفته می‌شود. (رضایی منش، 58:1385)

مال چیزی است که عرف در مقابل آن بهاء پرداخت می‌کند یا چیزی است که طبع آدمی به آن تمایل داشته باشد و آنگاه مال را در هر چه که به اکتساب بدست آید بکار برده‌اند، پس پول هم مال است و منافع و مطالبات و تعهدات هم مال است. و هر چه که قابل تقویم به پول باشد مال است و یا آنچه که می‌ارزد و تلف کننده ضامن آن است مال است. (قیامی، 32:1389)

می‌توان از بررسی تعریف‌های یاد شده از منابع گوناگون فقهی و لغوی به یک معنای یا تعریف جامعی که شامل عین وضعیت نیز باشد دست یافت و چنین نتیجه گرفت که مال، عبارت است از هر چیزی که طبع انسان به آن مایل است، دارای منفعت عقلایی است و در میان مردم قابلیت داد و ستد داشته و نیز هنگام معامله بابت آن وجه یا چیزی متناسب با قیمت آن به مالک بدهند، مشروط بر اینکه معامله، نگهداری و حمل آن خلاف قانون و موازین شرعی نباشد.

مال در فقه به این شرح تعریف شده است: مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. این تعریف فقهی مال است ولی بعضی از فقهاء عقیده دارند که در این تعریف، دور وجود دارد زیرا در تعریف مال آمده است: مال چیزی است که به ازای آن مال داده شود. پس تعریف، مبتنی بر تعریف خود مال است. (شهید ثانی، 83:1413)

به نظر می‌رسد بهتر است در تعریف مال گفته شود: مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می‌کند. بخشی از اموال مانند اغذیه و لباس مستقیماً نیاز انسان را رفع می‌کنند و لذا مالیت و ارزش آنها تکوینی و واقعی است و دسته دیگر مستقیماً رفع نیاز نمی‌کنند ولی وسیله رفع نیاز هستند مانند پول که به خودی خود نیاز نیست بلکه با اموال دیگر مبادله می‌شود و به واسطه آنها رفع نیاز می‌کند و ارزش اعتباری دارد و به همین علت، وقتی گفته می‌شود که فلان سری اسکناس فاقد اعتبار است با وصف موجود بودن اسکناس چون قدرت قراردادی و اعتباری اسکناس‌ها سلب گردیده ارزشی نخواهند داشت (رضایی، 1392:39).

برخی از فقها، اموال را با در نظر گرفتن نوع مالیشان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرده‌اند:

دسته اول: اشیایی هستند که مالیت آنها، ذاتی می‌باشد یعنی از خود شیء و یا توجه به منفعی که از ناحیه‌ی آن، عاید انسان می‌شود انتزاع گردد این دسته از اموال به خودی خود و بلاواسطه، مطلوب انسان هستند.

دسته دوم: اشیایی هستند که مالیت آنها اعتباری است به اعتبار عام همانند تلقی مال از دینی که در ذمه‌ی شخص عاقل و بالغ است توسط عقل یا به اعتبار خاص، همانند ارزش اقتصادی پول و اسکناس. ایشان معتقدند که از نظر شارع اسلام، مالیت هر چیزی ضمن وجود منفعت عقلایی آن، به اعتبار وجود منافع محله‌ی آن نیز می‌باشد. (انصاری، 1415:43)

گفتار دوم: مفهوم مالکیت

در این قسمت در نظر داریم به بررسی مفهوم مالکیت اشاره نماییم.

ملک (به کسریمیم و سکون لام) در لغت به معنای واجدیت، احاطه داشتن برشی، قدرت و سلطنت و آنچه که در سلطه و تصرف انسان است، آمده. ملکیت مصدر جعلی ملک است و مقصود از آن، رابطه‌ای میان مالک و مملوک می‌باشد و همچنین واژه ملکیت که نیز مصدر جعلی مالک است به معنای مالک بودن و دارای حق بودن، حیازت و تحت سیطره خود در آوردن و در تصرف خویش در آوردن و در واقع، استیلا بر مال آمده است. (مرادی، 1390: 46)

مالکیت مصدر جعلی مالک است و در اصطلاح فقها رابطه یا سلطه‌ای است اعتباری بین مال و شخص، اعم از شخص حقیقی یا حقوقی که براساس همان رابطه و علاقه یا سلطه‌ای که میان مالک و مملوک وجود دارد، شخص قادر است هرگونه بهره‌برداری و تصرف حقوقی و مادی معقولی را که بخواهد در آن انجام دهد. (حر عاملی، بی تا: 64)

با تتبع و بررسی عبارات فقها پیرامون تعریف مالکیت به این نتیجه رسیده اند که مالکیت از نظر آنان عبارت است از:

رابطه و علقه‌ای که میان مالک و مملوک اعتبار می‌گردد که براساس همین اعتبار، مالک قادر است هرگونه تصرفاتی را که مخالف با قانون و شرع نباشد در مال و مملوک خود انجام دهد و کسی نتواند برای او مزاحمت ایجاد کند. (انصاری، 1415: 31)

از نظر برخی دیگر عبارت است از: سلطنتی که بر اساس آن مالک می‌تواند هرگونه تصرفی را نسبت به مملوک و مال خودش که مخالف قانون و شرع نباشد انجام دهد. به نظر برخی دیگر عبارت است از: ملک که به اصطلاح فلسفی به آن جده گفته می‌شود. ولی با همه اختلاف‌هایی که درباره تعریف مالکیت در عبارات فقها و بزرگان وجود دارند در یک معنا با هم مشترک است که مالکیت به هر معنایی که باشد مالک قادر است هر گونه تصرفاتی را که مایل است نسبت به مال و ملک خودش انجام دهد و کسی حق ایجاد

مزا حمت برای او را ندارد و البته طبیعی است که این گونه تصرفات مالکانه باید در چارچوب قانون و شرع صورت گیرد (بخاری، 1401: 67).

گفتار سوم: مفهوم معدن

در این قسمت در نظر داریم به بررسی مفهوم معدن هم در حقوق موضوعه و فقه بپردازیم.

بند اول: مفهوم معدن در لغت

واژه معدن وقتی بر مکان خاص و بودن کسی در مکان خاص، مورد استفاده قرار می‌گیرد (دهخدا، 1373: 24) به معنای قرارگاه بودن آن مکان برای اوست و مرکز تجمع هر چیز را معدن آن چیز می‌نامند و جنات عدن به معنای باغ‌های بهشتی است که اقامتگاه جاودانه در بهشت جا داده است و معدن محلی است که بدون کوچ، برای اقامت ثابت گروه انتخاب و اهل آن حتی در صورت کوچ به سایر بلاد، خود را اهل آن محل معرفی کنند (زیرا ریشه خود را از آن می‌دانند) و معدن طلا و نقره ما به این جهت معدن می‌گویند که خداوند جوهر و ماده اولیه آن دو را در آن مکان خاص رویانده است، در آن محدوده خاص با ترکیب خاصی در آن زمین خلق کرده است تا اینکه در آن زمین به طور ثابت و معین استقرار یافته است. (احمدی، 1389: 36)

واژه معدن در شهر و دیار به معنای مقیم شدن در آن است. واژه معدن بر وزن واژه مجلس، محل رویش و پیدایش عناصر طبیعی مختلف است خواه طلا باشد یا مثل آن. معدن اسم محل است یعنی جایگاه جواهرات زمین نه اسم مواد معدنی. (مصلحی مهر، 1393: 55)

برای معدن دو معنا در نظر گرفته شده است. اسم عام و آن هنگامی که معدن به ماده معدنی آن اضافه می‌شود، مثلاً معدن الذهب که عام است برای هر معدن طلا به اسم خاص و آن معدنی است که به چیزی اضافه نشود یعنی مکانی که جواهرات زمین از آن استخراج می‌شود، به عبارت دیگر معدن عبارت از هر چیزی که در زمین یافت شود اعم از طلا و اهل هر سرزمین را عدن در مکان و مقیم می‌گویند و از همین معناست آیه کریمه‌ای که بهشت را با عنوان «جنات عدن» معرفی می‌کند زیرا بهشت سرانی برای اقامت جاودانه اهل آنان است. (شافع، 1388: 38)

مرکز هر چیز را معدن آن می‌گویند اصطلاحاً به محل استقرار عناصر طبیعی اطلاق می‌گردد و در حدیث آمده است: مردم معادن طلا و نقره هستند یعنی دارای تفاوت‌ها و محاسن خاص خود می‌باشند مثل معادن که برخی ارزشمند و برخی بی‌کیفیت است. (هاشمی، 1374: 22)

معدن به کسر دال که واژه‌ای تازی است را در ادبیات فارسی به معنای اصل و مرکز هر چیزی و هر جایی است که در آن چیزی باقی ماند، جایگاه، عمل، مکان هرچیز و نیز کان بر جواهر از زر و سیم و جز آن داشته‌اند. (دهخدا، 1373: 701 و 702)

در لغت عرب نیز معدن تقریباً معنای مشابهی دارد. در کتاب القاموس معدن «مکان جوهر از طلا و مانند آن» تعریف شده است. در المنجد قید شده که معدن با کسر دال به مکان و مرکز هر چیزی که اصل مرکزش آنجا باشد، اطلاق می‌گردد. به همین معنی به کسانی که فطرتاً دارای روحیه خیر و نیکوکاری است انسانی هستند گفته می‌شود فلانی معدن خیر و کرم است و به منبت و جای جواهر از طلا و نقره و امثال این‌ها گفته می‌شود. (شافع، 1388: 57)

معادن از حیث وجود در اعصار مختلف یکسان نبوده؛ مثل آهن در تمام اعصار، مس در عهد اول و سوم، سرب در عهد اول و دوم یافت شده است. (دهخدا، 1373: 27)

بند دوم: مفهوم معدن در فقه

در کتاب المنتهی معدن جنس تعریف شده است. «معادن جمع معدن است و از معدن، معدن منتهی می شود و عدن بالمکان به معنای اقامت گزیدن در جایی است که از همین رو بهشت را عدن گفته اند چون آنجا محل خلود و اقامت است و بین اقامت استمرار و تداوم دارد و معدن، به کل چیزهایی که از زمین خارج می شود اطلاق می گردد البته مشروط به اینکه در زمین خلق شده باشد ولی جزء زمین نباشد و ارزش داشته باشد. (شمس دینی زارچ، 1383: 85)

چنان که در قسمت اخیر تعریف مشاهده می شود، علامه حلی معدن را همه چیزهایی که از زمین خارج می گردد و آن چیزها در زمین بوجود آمده اند ولی جزء زمین نیستند و مشابه این تعریف در کتاب النهایت الاثریه و لتذکر قید گردیده و ادعای اجماع بر این تعریف شده است و ذکر شده که در این تعریف با آوردن عبارت «مما یخلق فیها» زراعت را از شمول معادن خارج کرده اند. (حلی، 1419: 521)

اما در تعریفی که یکی دیگر از فقها ارائه داده اند لازم ندانسته اند که معدن چیزی غیر زمین باشد و قائل به این امر شده که معدن، ممکن است جزء خود زمین باشد. شهید ثانی معدن را «آن چیزی که از زمین استخراج می شود و اصل آن از زمین است می دانند». (شهید ثانی، 1413: 224)

شهید ثانی همانطور که گفته شد در تعریف خود، معدن را با قید عمومی به کار برده اند و از قید غیرها استفاده ننموده اند و مشابه چنین تعریفی را بیان نمودند. از مجموع تعاریف ذکر شده می توان چنین گفت که از نظر فقهی، معدن تکامل چیزهایی است که به طور طبیعی جزء زمین بوده است. (به این معنا که کسی آنها را داخل زمین قرار نداده که در آن صورت لفظ گنج برای آن استعمال می شود) و فعلاً خصوصیتی پیدا کرده